

برابر با اصل است

محمد ابراهیم پور

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: ابراهیم پور، محمد، ۱۳۷۴

عنوان و نام پدیدآور: برابر با اصل است. / محمد ابراهیم پور.

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: [۶۴] ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۸۴۹-۲

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: PIR ۸۳۳۴ / ۱۴۰۰

رده بندی دیویی: ۸۷۲ / ۱ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۳۲۸۲۵

www.ketab.ir

فصل پنجم / ناشر تخصصی شهر

برابر با اصل است / محمد ابراهیم پور

چاپ اول: اسفند ۱۴۰۰ / شمارگان: ۳۰۰ نسخه

طراح جلد: علی اصغر بمانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۸۴۹-۲

صندوق پستی ناشر: ۴۵۱-۱۳۱۴۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی زاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷-۶۶۹۰۹۸۴۸-۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱- تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram:fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

- ۱ / دوباره مثل همیشه برابر با اصل / ۱۳
- ۲ / آینه‌جان شبیه من بی‌وفا نباش / ۱۵
- ۳ / با یک زبان تلخ تمامی شراب بود / ۱۶
- ۴ / فرار بود سلاحش زمان ترسیدن / ۱۷
- ۵ / زندگی دارد سر ناسازگاری می‌زند / ۱۸
- ۶ / می‌خواهمت غزل به غزل عاشقانه‌تر / ۲۰
- ۷ / از خودم شکارم که در قعر / ۲۱
- ۸ / وقتی خدا آغاز کرده است آن‌بیدن را / ۲۳
- ۹ / میان خوف و رجا بودم و مرده بودم / ۲۴
- ۱۰ / در هر کسی نگاه کنم دیده‌ام تو را / ۲۵
- ۱۱ / امشب زبان حال مرا منعکس نکن / ۲۶
- ۱۲ / شکارم کن که از قلاب ماهیگیر بیزارم / ۲۷
- ۱۳ / "هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم" / ۲۸
- ۱۴ / آینه از من روگرفته درد یعنی این / ۲۹
- ۱۵ / اگرچه در "زد و بند" طنابش بود، راضی بود / ۳۰
- ۱۶ / از چشم من افتاده دنیا خوب می‌دانی / ۳۱
- ۱۷ / کلام سنگ بنای تمدن عشق است / ۳۲
- ۱۸ / نفس نمانده برایم، شکسته پر شده‌ام / ۳۳
- ۱۹ / سربه‌زیری کار سختی بود، می‌پنداشتیم / ۳۴

- ۲۰ / جدی گرفتم شوخی بی ربط دنیا را / ۳۵
- ۲۱ / ای تلخی تب دلشوره / ۳۷
- ۲۲ / آه ای زن به گریه مسلح امان بده / ۴۰
- ۲۳ / کوه گاهی گریه اش را رود معنا می کنند / ۴۲
- ۲۴ / گیره بر مو می زنی گلدان شب بو می شود / ۴۴
- ۲۵ / باز آرام در شب غزل / ۴۵
- ۲۶ / چه مادرانه برایت دلم گرفت امروز / ۴۷
- ۲۷ / دیشب تمام دهخدا را جستجو کردم / ۴۹
- ۲۸ / وقتی که دست بر سر پیمانه می کشید / ۵۱
- ۲۹ / پابندم اگر به یک حرف ناحسابی علیه شخص خودم / ۵۲
- ۳۰ / شبیه یک هوا از من دوباره می گذرد / ۵۳
- ۳۱ / آخر منطق و درگیر معما بودن / ۵۴
- ۳۲ / احساس تنهایی همان تنها شدن نیست / ۵۵
- ۳۳ / دریا به چشم اهل نظر قهر ساحل است / ۵۶
- ۳۴ / هر چند که تا کشف معما نرسیدم / ۵۷
- ۳۵ / دل دارد از زمین و زمان سیر می شود / ۵۸
- ۳۶ / کشانده مسلک عشقت مرا به گمراهی / ۵۹
- ۳۷ / زیر این باری که دارم شانه کم می آورد / ۶۱
- ۳۸ / آسمان آسمان دلم تنگ است / ۶۳

مقدمه

برابر با اصل است، اولین مجموعه غزل معاصر در ادبیات فارسی می‌باشد که هم در زمینه‌ی شعر و هم در زمینه‌ی روانشناسی، با لایحه‌ی رویکرد روان‌پویشی منتشر شده است. هر یک از ابیات برابر با اصل با یکی از مفاهیم روان‌پویشی و آسیب‌شناسی روانی مانند مکانیسم‌های دفاعی منطبق بوده و در این سال‌ها توسط اساتید بنده در حوزه‌ی روانشناسی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و بر آن شدم که این ارتباط میان شعر و ساز و کارهای روان انسان را ابتدا با مجموعه غزل خویش آغاز کنم. زیگموند فروید معتقد است آن‌چه که در یک درمان موفق بیشترین تأثیر را دارد، شخصیت درمانگر است. اگر درمانگری پیش از آغاز فعالیت درمانگری‌اش تحت فرایند روان درمانی قرار نگرفته باشد، فرایند درمانگری‌اش هر لحظه ممکن است تحت تأثیر تعارضات شخصی‌اش قرار بگیرد. پس لازمه‌ی اصلی درمانگری، طی کردن فرایند آن در جایگاه مراجع، پیش از آغاز فعالیت حرفه‌ای است. زندگی هر یک از ما انسان‌ها مجموعه‌ای

از اتفاقات منتظره و غیر منتظره، هیجان‌انگیز و یکنواخت، تلخ و شیرین و یا آمیخته‌ای از احساسات و عواطفی است که گاه آن‌ها را برای خود خوب و گاه بد می‌دانیم. هنگامی که درگیر هیجانات نامطلوبی می‌شویم، سیستم روانی ما در راستای حفظ تعادل میان دنیای درون، مقتضیات جهان بیرون، اصل واقعیت و نیز اخلاق، مکانیسم‌هایی را ابداع می‌کند. ساز و کارهایی که کلیه فرایندهای زندگی ما را هدایت می‌کنند و بنابر تکرار بسیار، حتی به آن‌ها فکر نمی‌کنیم. برای مثال با مکانیسم دفاعی انکار، واقعیتی دردناک را نادیده گرفته و نمی‌خواهیم با آن روبه‌رو شویم. یکی دیگر از مکانیسم‌های دفاعی، تصعید نام دارد که طی آن فرد تعارضات، امیال و خواسته‌های متضاد با پسند و هنجار اجتماع خود و نیز هیجانات خویش اعم از غم، خشم، نفرت و غیره را به گونه‌ای هنری و جامعه‌پسند در یک اثر هنری خلاقانه تخلیه و برون‌ریزی می‌کند. شعر به عنوان یک مکانیسم دفاعی باور من در تمامی این دوران بوده و من نیز مانند تمامی هنرمندان دیگر تکانه‌ها، هیجانات و امیال سرکوب شده‌ام را از این طریق و به کمک تخیل با واقعیت سازگار کرده‌ام. نکته‌ی جالب توجه این مطلب آن است که هیچ‌کس حتی خود من نیز اطلاعی از این تخیلات نداشته و گاهی نیز ندارم، اما در نهایت از میان این تخیلات و تکانه‌ها به سلامت بیرون آمده و به ادامه‌ی زندگی‌ام در دنیای واقعی، نه فانتزی و خیال، پرداخته‌ام.

پس از آن‌که دوره‌ی درمان روانکاوی خود را آغاز کردم بسیاری از مشکلات و تعارضات درونی‌ام، تمایلات و نیازهای سرکوب شده‌ام و نیز مسائل مختلفی اعم از مسائل شغلی، ارتباطی، تحصیلی و غیره‌ام با همراهی روانکاوام سرکار

خانم دکتر سوگند ارجمند، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. دریافتیم که بسیاری از این مسائل و دغدغه‌های درونی‌ام را بارها و در زمان‌های مختلفی در غزل‌های متفاوتم به زبان‌های گوناگونی، بیان کرده‌ام و شعر من در آن زمان بیانگر محتویات ناهشیار من بوده‌اند. هر بیت با زبان دفاعی خود، من واقعی و برابر با اصل ناهشیارم را به تصویر کشیده است. بسیاری از آن‌ها را اکنون یافته و برایم قابل توجیه‌اند و بسیاری دیگر همچنان به دور از آگاهی‌ام قرار دارند. به عقیده‌ی زیگموند فروید، کاری که روانکاو می‌تواند انجام دهد این است که با توجه به روابط متقابل تأثرات و احساسات حیاتی، دگرگونی‌های ناگهانی و شاهکارهای هنرمند، تمایلات غریزی موثر در پیدایش ابداعات هنری، یعنی آن روح انسانی و جاودانی را که در ایجاد این آثار، عامل اصلی به شمار می‌آید، جستجو نماید. به عقیده‌ی او، رویاهای ساخته و پرداخته‌ی یک هنرمند را نیز می‌توان مانند خواب‌های حقیقی تأویل کرد و بنابراین در فعالیت خلاقانه‌ی شاعر نیز همان مکانیسم‌های ناخودآگاه که در تشکیل خواب با آن‌ها مواجهیم دخالت دارند و همان‌گونه که می‌توان از تأویل یک رویا به محتویات نهفته در ناهشیار دست یافت، با تحلیل و بررسی شعر یک شاعر نیز می‌توان به چنین دستاوردی رسید.

دلیل نام‌گذاری این کتاب نیز بر همین اصل دلالت دارد. هدف اصلی من از بیان مطالب ذکر شده، آغاز مسیری پژوهش محور و بسیار دشوار مبتنی بر این عقیده‌ی زیگموند فروید است که اکنون به آن می‌پردازم:

برخلاف محتویات خواب، تخیلات هنرمند، به دلیل آن که جوابگوی

همین تمایلات غریزی ناخودآگاه دیگران هم هستند، خود به خود علاقه و نظر موافق همه‌ی مردم را به خود جلب می‌کند و در این مورد از حظ بصری حاصل از مشاهده زیبایی، برای دلربایی استفاده می‌کنند.

در این مسیر سخت، روانکاوان باید با تحلیل و بررسی آثار هنری معاصر و نیز جایگاه آن‌ها در اجتماع، به نقطه‌ی اشتراکی میان رنج‌های آن شاعر و مخاطبانش رسیده و در راستای کاهش این رنج‌ها به تحقیق و پژوهش و نیز ارائه‌ی راهکاری مناسب و کارآمد در زمینه‌های مختلف درمانی و آموزشی، همچون فرزندپروری بپردازند.

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که هنر و رای مبحث زیبایی‌شناسی دارای بعد بسیار وسیعی از معناست و کار روانکاو کند و کاو در راستای کشف این معانی، اشتراک‌یابی میان آن‌ها را بخواهد و وضعیت سلامت روان اجتماع می‌باشد و احساس این مسئولیت متناسب با تخصص فردی می‌تواند به کاهش رنج بشری بیانجامد.